

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در دیدار با هزاران نفر از **اقتشار** مختلف مردم درباره تحولات منطقه در روز ۱۴۰۳/۰۹/۲۱ **متذکر شدند: «نباید تردید کرد که آنچه در سوریه اتفاق افتاد، محصول یک نقشه مشترک آمریکایی و صهیونیستی است؛ بله، یک دولت همسایه سوریه نقش اصلی نقشه‌کاری را در این زمینه ایفا کرده، الان هم ایفا می‌کند – این را همه می‌بینند – ولی عامل اصلی آنها هستند؛ عامل اصلی، دولت‌های اصلی، نقشه‌کش اصلی، اتاق فرمان اصلی در آمریکا و رژیم صهیونیستی است. قرآنی داریم؛ این قرآن برای انسان جای تردید باقی نمی‌گذارد.»**

رئس‌انسه **KHAMENEI.IR** به همین مناسبت در گفت‌وگو با **دکتر سعدالله زارعی** مدرس دانشگاه و کارشناس مسائل غرب آسیا به بررسی نقشه آمریکایی-صهیونیستی در تحولات اخیر سوریه پرداخته است.

چرا اتفاقات سوریه سناریوی آمریکایی-صهیونیستی است؟ به این ۴ دلیل

بلافاصله بعد از سقوط دولت دمشق، حمله زمینی به سمت جنوب قنیطره و مناطق متصل به دمشق انجام شد. این آمادگی قبل از سقوط بشار اسد از سوی صهیونیست‌ها نشان‌دهنده اطلاع آنها از تحولات آینده سوریه بود. بنابراین، هماهنگی‌هایی که در این صحنه شاهد بودیم، بسیار واضح است و تحولات بعدی نیز همین را نشان می‌دهد. زمانی که صهیونیست‌ها بخش‌هایی از سوریه را اشغال کردند، باید با مکتوم‌شام آمریکایی‌ها مواجه می‌شدند؛ زیرا آمریکا ظاهراً با تجزیه سوریه مخالف است. اما این مخالفت چگونه ممکن است؟ در این‌جا با سکوتی مواجه هستیم که نشان‌دهنده

خود این موضوع به‌علی‌رغم گذشت بیش از ۴۰ روز، هنوز حکومتی مشخص در سوریه شکل نگرفته، نشان‌دهنده دخالت‌های خارجی است. اظهارات مهمی که از سطح خارجی درباره سوریه به مطرح می‌شود، نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری درباره نوع رابطه با دولت جدید به آینده موکول شده است که همین امر نشان‌دهنده دخالت‌های خارجی است. اگر این دخالت‌ها وجود نداشت، پرشی از مردم سوریه درباره نوع حکومتی که می‌خواهند، زمان‌بر نبود و می‌شد در ظرف یک دوره حداکثر حتماًه فراندومی برگزار کرد تا مردم حکومتی را که می‌خواهند مشخص کنند. اما چرا گروه حاکم بر دمشق اعلام می‌کند که بین سه تا چهار سال زمان نیاز است تا فرم، ابعاد و عنوان حکومت مشخص شود؟ این نشان‌دهنده جود دخالت خارجی است. واضح است که دولت‌هایی که منتج شکل‌گیری حکومتی مبتنی‌بر نظر مردم هستند، در نقطه مقابل منافع ملت‌ها و به‌ویژه مردم سوریه قرار دارند.

دلیل دوم این است که در صحنه کنونی، روی کار آمدن آقای جولانی درحالی که ماهیت دولت و گروه جدید مورد تردید آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها قرار دارد، بدون درنگ با هیئت‌های دیپلماتیک ازسوی آمریکا،اروپا و دولت‌های منطقه‌ای متمایل به غرب همراه است. این دو موضوع چگونه می‌تواند جمع شود؟ یا یکسو، سیاست چمناک و وهیبتی وارد کنارزن خواست مردم و شکل دادن به یک حکومت بود. نظر غرب درحال اجرانست و از سوی دیگر، غرب باید فشار می‌آورد تا یک رژیم وابسته به خود را در دمشق مستقر کند. برای اینکه مردم سوریه نتوانند حداقل‌هایی از یک حکومت ملی داشته باشند یا این صحنه بازی می‌شود.

سومین دلیل این است که غربی‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها در زمان تحولات سوریه، امکان هر نوع کمک به دولت دمشق را از بین بردند. آنها هم منابع کمک‌های عراق به‌عنوان همسایه‌ای که می‌توانست به دولت دمشق یاری رساند، شدند و هم منابع کمک‌های هوایی ایران به‌عنوان حامی مردم و دولت سوریه شدند. آمریکایی‌ها قاطعانه اعلام کردی که اجازه نخواهند داد هیچ نوع ترددی، چه زمینی و چه هوایی، به سمت دمشق صورت گیرد. چرا باید آمریکایی‌ها منابع این مسئله شوند و در این موضوع دخالت کنند، اگر واقعاً مسئله داخلی سوریه است؟

مسئله یا علامت چهارم نیز این است که در این تحولات، آمریکایی‌ها درحالی که بسیار بر گروه کردی «قسد» تأکید داشتند و از گروه «قسد» حمایت می‌کردند، در زمان حادثه دست قسند را کاملاً بستند و آنها را در معرض حملات تحریرالشام قرار دادند و از حمایت کردها دست برداشتند. پس از آنکه اجرائی گروه قسند در دمشق پیش رفت و به‌ویژه به نتیجه رسید، دوباره به حمایت از گروه قسند در برابر ترکیه پرداختند.

این رخدادها نشان‌دهنده هماهنگی و طراحی آمریکایی است. از سوی دیگر، رفتار صهیونیست‌ها چندماه قبل از فروپاشی دولت دمشق نیز تأییدکننده نقش معمارگون در اسرائیل در این تحولات است. در ۶ تا ۶ام قبل از سقوط دولت در ۱۸ آذر، ماه اسرائیلی‌ها وارد منطقه مرزی بین نیروهای ارتش اسرائیل و نیروهای دولت سوریه در قنیطره شهرداری و منطقه حائل ارباساس توافق ۲۰۰۸ بین سوریه و اسرائیل را نقض کردند. آنها در روستایی در ۵۰کیلومتری مرز مشترک رژیم و ارتش سوریه به‌رغم به کام هندسی کردند و اعلام کردند که ۲۰۰۰ یهودی را در آنجا مستقر خواهند کرد.

سیاسی Siyasi@kayhan.ir

گروه‌های مختلف را در داخل سوریه تحت کنترل قرار دهند یا نه؟ اینها مسائلی هستند که باعث می‌شود غربی‌ها فعلاً در پشت صحنه تلاش کنند تحولات را به سمتی هدایت کنند که منافعشان تأمین شود. به نظر می‌رسد که در حال حاضر نیت‌توانیم تصویر مشخصی از آینده سوریه ارائه دهیم. **ایجاد و بساختار جبهه مقاومت چیست است که با شکست سوریه از بین نمی‌رود؟**

مکتوم‌شام آیا چرا به وجود آمده است؟ منطقه‌ای که تحت کنترل آمریکا بوده، چگونه مقاومت در آن شکل گرفته است؟ پاسخ این سوالات نیاز مردم و منطقه و واقعیت‌های موجود در منطقه بوده است. اشغالگری آمریکایی‌ها و تجاوزات و اشغالگری اسرائیل، مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری مقاومت در کشورهای منطقه هستند. در نهایت، تقدیر مقاومت‌ها به یک جبهه واحد تبدیل شده است.

آیا این دلایل هنوز وجود دارد یا از بین رفته است؟ آیا دلایل شکل‌گیری مقاومت پایان یافته یا هنوز باقی است؟ آیا منافع آمریکا در منطقه تمام شده یا نفوذ نظامی و پایگاه‌های اطلاعاتگر آمریکا هنوز موجودند؟ آیا اسرائیلی‌ها به تجاوزاتشان ادامه می‌دهند یا متوقف شده‌اند؟ آیا تلاش‌های صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها برای محو ملت فلسطین پایان یافته یا همچنان ادامه دارد؟ پاسخ به این سوالات روشن است؛ در چنین فضائی هنوز نیاز جدی به مقاومت از سوی ملت‌ها احساس می‌شود و زمینه‌ها برای ایجاد جریان‌های مقاومتی فراهم است. هنوز هم برخی که علیه آمریکا برافراشته‌شود، با توجه به خلوص آن، مورد استقبال قوی مردم منطقه قرار می‌گیرد. بعد از گذشت حدود ۶ ماه از استقرار مردم غزه، مقاومت در غزه هنوز حرف اول را می‌زد و جای خود را به گزینه دیگری نداده است. چرا؟ زیرا برای ملت‌ها گزینه دیگری وجود ندارد و برای ملت فلسطین، مقاومت نشان‌راه نجات از شرایط محتسار فعلی است. البته با این وصف، ممکن است مقاومت در برخی نقاط آسیب ببیند؛ مانند لبنان و

بلافاصله بعد از سقوط دولت دمشق، حمله زمینی به سمت جنوب قنیطره و مناطق متصل به دمشق انجام شد. این آمادگی قبل از سقوط بشار اسد از سوی صهیونیست‌ها نشان‌دهنده اطلاع آنها از تحولات آینده سوریه بود. بنابراین، هماهنگی‌هایی که در این صحنه شاهد بودیم، بسیار واضح است و تحولات بعدی نیز همین را نشان می‌دهد. زمانی که صهیونیست‌ها بخش‌هایی از سوریه را اشغال کردند، باید با مخالفت آمریکایی‌ها مواجه می‌شدند؛ زیرا آمریکا ظاهراً با تجزیه سوریه مخالف است. اما این مخالفت چگونه ممکن است؟ در این‌جا با سکوتی مواجه هستیم که نشان‌دهنده این است که تحولات سوریه در اتاق‌های فکر آمریکایی – صهیونیستی طراحی و برنامه‌ریزی شده است. این تحولات در نهایت با کمک دولتی در منطقه و بازگیری گروه‌های مختلف به اجرا در آمده است.

سوریه. اما این آسیب‌ها به معنای ریشه‌کنی آن نیست، زیرا دلایل ایجادش همچنان جاری است. ما همچنین در منطقه تجربه دیده‌های جدید مقاومت را داریم. برای مثال، زمانی در یمن گروهی به نام یمن جنوبی که روابط نزدیکی با جمهوری آذربایجان داشت، در مقابل بمب شمالی قرار داشت که تحت نفوذ فردی بود (دولت علی عبدالله صالح در مقابل دولت علی ناصر محمد در عدن). بعد از ادغام یمن جنوبی و شمالی در سال ۱۳۲۲، ما روابط قبلی‌مان را از دست دادیم و یک دولت وابسته به غرب سر کار آمد. اما پس از مدت زمان کوتاهی، یک جریان مقاومتی خاص‌تر از دولت قبلی شکل گرفت که امروز نماینده یمن است و همه دنیا پدیده باشکوهی به نام انصارالله را مشاهده می‌کنند.

بنابراین، ما چیزی را از دست ندادیم، بلکه با یک فاصله زمانی با ظهور یک پدیده جدید و قوی‌تر در عرصه مقاومت مواجه شدیم. درباره عراق نیز، ما زمانی نفوذ در میان بخشی از شیعیان داشتیم اما با روی کار آمدن دولت جدید، ارتباطات ما قطع شد. اما زمان زیادی از این قطع ارتباط نگذشت که دوباره جریان‌های مقاومت جدیدی شکل گرفتند. از ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۲، یعنی تقریباً ۲۴ سال طول کشید؛ اما پس از این مدت، چیزی که در صحنه عراق ظهور کرد بسیار قوی‌تر از آن چیزی بود که در سال ۵۸ به دنبالش بودیم. امروز نیز می‌بینیم که عراق صحنه‌ها نیز یک ضلع مقاومت شناخته می‌شود. در سایر صحنه‌ها نیز شاهد برزخ‌ها و رویش‌ها بوده‌ایم که در نهایت رویش‌ها بسیار قوی‌تر از ریزش‌ها بوده‌اند. عنوان مثال، اگر وضعیت اسرائیل را با ریزش دولت علی ناصر محمد در یمن مقایسه کنیم، می‌بینیم که موقعیت انصارالله بسیار برتر از دولت آن زمان آقای ناصر محمد است. در مورد عراق نیز، وقتی به آنچه در سال‌های ۵۸ و ۵۹ در این کشور دنبال می‌کردیم نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که خواسته‌های ما حداقل‌هایی مانند داشتن اوضاع اقتصادی مناسب و زندگی برابری ایرانی‌تبارها و حفظ امنیت مرزها بود. آنچه بین ما و عراق جریان دارد، فراتر از این خواسته‌هاست. در فلسطین نیز تجربه مشابهی داریم. زمانی حداکثر خواسته مردم این بود که هیچ‌کس در داخل فلسطین اسرائیل را به رسمیت نشناسد و نگران مذاکرات مانرید و اسلو در سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ بودیم. آن زمان باعث شده که توافق اسلو به تصویب برسد و آقای بشار عرفات با تشکیل حکومت خود‌گردان به سمت غرب حرکت کند. ما موقعیت خود را

در فلسطین از دست دادیم، اما بافاصله کوتاهی برای مقاومت دینی و جهادی شکل گرفتند. فلسطینی‌هایی که زمانی به سمت صلح با اسرائیل تمایل داشتند، اکنون با موشک به سمت تل‌آویو شلیک می‌کنند. ما به‌عنوان یک جنبش مقاومت ممکن است در برخی مواقع موقعیتی را از دست بدهیم اما خداوند اراده کرده که مستغنی‌بن بر جهان حاکم شوند. وجود ماده مقاومت، یعنی مقابله با اشغالگری و تجاوز، همچنان باقی است و تا زمانی که این وجود دارد، جریانات مقاومت متولد خواهند شد. ممکن است در جایی حرکت مقاومت کاستی بگیرد، اما به فاصله زمانی کوتاهی موج جدیدی از مقاومت شکل خواهد گرفت. **در صحبت‌ها پستان کاملاً درباره بحث تسریع اتفاقات در گفتمان مقاومت اشاره کردید. مقاومت یک ایده و مکتب است، ویژگی اصلی آن چیست؟ لطفاً به جایگاه مردمی آن هم اشاره بفرمایید.**

این ویژگی‌ها عمدتاً یک امر باطنی و روحی – روانی هستند. باید به جایگاه اجتماعی مردم نیز اشاره کرد که بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارد؛ یعنی یک باور و حب و عشق قوی در درون فرد وجود دارد که او را به سمت داشتن موانع سوق می‌دهد و در طول زمان او را راست‌خیز می‌کند. این امر یک باطنی، فطری و وجدانی است که حوادث سخت نمی‌تواند او را وادار به تجدیدنظر کند، بلکه او را در پیگیری اهدافش



راست‌خیز می‌کند. قرآن کریم نیز در آیات متعددی به این موضوع اشاره کرده است. کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، حقیقت یزیرگ را در یافتند و پس از استقامت، موفقیت یافتند. استقامت ناشی از باور درونی آنها بود و نتیجه این باور باعث شد که ترس‌ها و خطرها تصفیف شوند و مانع حرکت فرد در مسیر نشوند. در نهایت، این افراد به فؤز و پیروزی رسیدند که این پیروزی حاصل ایمان و استقامت آنها و عبور از گردنه‌های سخت بود. این ویژگی مقاومت است.

حال سؤال آن است که این مقاومت در فضای سیاسی چگونه می‌تواند اجرا شود؟ مقاومت یک امر درونی است. در سطح منطقه ما نیز به همین صورت است. همان‌طور که اگرانیزم به سمت مقاومت سوق داده می‌شود، اگر گانیزم منطقه نیز همین کار را انجام می‌دهد. اگر تاریخ ۲۰ساله را مطالعه کنید، متوجه خواهید شد که ملت‌ها چاره‌ای جز استقامت و مخالفت با کشورهای و دولت‌های تجاوززن ندارند. فقط منطقه فلسطینی و مقاومت مردم احساس می‌کنند باید در برابر فتنه‌گری‌ها ایستند. در گذشته، ملت‌ها باور داشتند باید ایستادگی کنند اما به این باور رسیده‌بودند که چنین امری در دسترس آنهاست. انقلاب اسلامی ایران نمونه بارزی بود که ثابت کرد می‌توان در برابر آمریکا و اسرائیل ایستاد ماند، حتی در صورت مشکلات. پس از آن، نمونه انقلاب ایران در منطقه تکثیر شد و دولت‌ها و گروه‌های مقاومتی شکل گرفتند. است که نشان‌دهنده قدرت روزافزون جبهه مقاومت در برابر تهدیدات خارجی است. ممکن است پیش از آن در آمریکای شمالی، مقاومت به‌عنوان یک پدیده جدید ظهور کرده باشد. اما واقعیت نشان داد که این یک استثنا نیست؛ بلکه یک قاعده است که هر جا می‌تواند به وقوع بپیوندد. کافی است در یک منطقه فشار و تحمیل غرب وجود داشته باشد و مردم آن را احساس کنند. اگر مردم اراده‌ای برای رفع این ظلم داشته باشند، می‌توانند به موفقیت دست یابند. این موضوع تنها جنبه مذهبی هم ندارد، بلکه یک امر وجدانی و عقلانی است. البته دین نیز به این موضوع قوت می‌بخشد و استقامت بخشیدگی است اما در هر جا که نژادهای موفقی از مقابله با ظلم و جود داشته باشد، ملت‌ها انگیزه پیدا می‌کنند تا در برابر اشغالگران و استعمارگران بایستند.

محور مقاومت امتداد راه بدر و خیبر علی اشبناس

فتح خیبر، یکی از مهم‌ترین حماسه‌ها در تاریخ اسلام است که در سال ۷ هجری رقم خورد. این پیروزی نه‌تنها برای مسلمانان بلکه برای همه آزادی‌خواهان جهان‌نمادی از مقاومت در برابر ظلم و استکبار شد. در کنار این پیروزی، مقاومت پیامبر اسلام در جنگ بدر و هوشیارشی ازیشان در جنگ خیبر در برابر دشمنان اسلام، درسی مهم برای دوران‌های بعدی ارائه داد. این روزها نیز، زمانی که مسلمانان و گروه‌های مقاومت در برابر ظلم و جنایات رژیم صهیونیستی و فشارهای بین‌المللی ایستادگی می‌کنند، می‌توان این ماهیگر را به‌طور مستقیم به وقایع معاصر ارتباط داد.

قلعه خیبر که در شمال مدینه و در اختیار یهودیان قرار داشت، یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای مسلمانان در آن زمان محسوب می‌شد. یهودیان خیبر که با دشمنان اسلام هم‌پیمان شده بودند، به‌دنبال ایجاد تفرقه و ضربه زدن به مسلمانان بودند. حضرت علی(ع) با رهبری خود، در نبردی سرنوشت‌ساز توانست قلعه خیبر را فتح کند و دشمنان اسلام را شکست دهد. این فتح نه‌تنها امنیت مسلمانان را تأمین کرد بلکه پیام قدرتمندی از ایستادگی در برابر ظلم و به چالش‌بران فرستاد.

در این جنگ، حضرت علی(ع) با ایمان راسخ و اراده‌ای که توسط خداوند به او داده شده بود و راهنمایی و هوشیاری پیامبر اسلام حضرت محمد(ص)، نقشی کلیدی ایفا کرد. او با شجاعت و فداکاری خود در این جنگ بزرگ، نه‌تنها پیروزی را برای مسلمانان به ارمغان آورد، بلکه پایه‌گذار اصولی شد که در طول تاریخ به‌ویژه در مبارزات علیه ظلم و استکبار، راه‌گشا و مؤثر بوده است. این مقاومت در برابر تهدیدات سیاسی و الگویی برای مقابله با دشمنان مسلمانان در دوران‌های بعدی قرار گرفت.

مسئول در جنگ بدر و هوشیار در جنگ خیبر
رهبر انقلاب در دیدار با مردم قم در سال ۱۳۹۰، شرایط کشورمان را این چنین توصیف کردند: «یک روز در صدر اسلام، دشمنان با نظرشان رسید که با شعب ابی‌طالب و محاصره اقتصادی مسلمان‌ها، آنها را از پای بیاورند، اما نتوانستند. این روسیاه‌های بدمحاسبه‌گر خیال می‌کنند ما امروز در شرایط شعب ابی‌طالبیم. این نظر نسلانی بسیار قوی‌تر از مسلمانان به نظر می‌رسیدند اما پیامبر اکرم (ص) با یادآوری همراهی حجت‌الاسلامالمسلمین مهدی طالب در تحلیل این سخنان رهبر انقلاب، تأکید کرد که در غزه بدر، برخی نظامی تردید داشتند که چگونه می‌توانند در برابر مشرکان جنگیده و پیروز شوند، چرا که آنها از نظر فلسطینی قوی‌تر از مسلمانان به نظر می‌رسیدند اما پیامبر اکرم (ص) با یادآوری همراهی خداوند، آنها را به ایستادگی و مقاومت تشویق کردند و نتیجه آن پیروزی مسلمانان بود. در غزه هرچند رژیم زمانی که جبهه یهودی در تمام قوا برای مقابله با مسلمانان به میان آمد، مسلمانان نتوانستند دشمنان را در منطقه خود محاصره کنند. پس از پیروزی مسلمانان در خیبر، معادله به نفع مسلمانان تغییر کرد و بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی مسلمانان حل شد. امروزه، جهان اسلام همچنان با تهدیداتی مشابه روبرو است. رژیم صهیونیستی که در چندین دهه اخیر اقدام به یقنن حقوق بشر و کشتار بی‌گناهان کرده است، امروز نیز در جنگی وحشیانه علیه مردم فلسطین، به‌ویژه زنان و کودکان، ادامه می‌دهد. این اقدامات وحشیانه، نه‌تنها با قوانین بین‌المللی معایرت دارد، بلکه با واکنش‌های جهانی نیز روبرو شده است. در این شرایط، مقاومت مسلمانان و گروه‌های مختلف در برابر این ظلم، همانند مقاومت پیامبر(ص) اسلام در جنگ بدر و خیبر است.

کشورهای مختلف در سراسر جهان از جمله سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی، اقدام به محکومیت این جنایات کرده‌اند. این واکنش‌ها، هرچند که در ظاهر نشان‌دهنده همبستگی جهانی هستند، اما همچنان شاهد عدم اقدام عملی از سوی کشورهای غربی و به‌ویژه حامیان مستعبری همچون آمریکا در زمینه توقف این کشتارها هستیم. در همین راستا، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که حمایت‌های چین و جزای آمریکا از رژیم صهیونیستی و سکوت کشورهای غربی، باعث ترغیب رژیم کدک‌کش اسرائیل به ادامه جنایات خود می‌شود.

در مقابل ظلم و محاصره رژیم صهیونیستی، محور مقاومت اسلامی شامل ایران، لبنان، سوریه، یمن، عراق و فلسطین در طی سال‌ها به یک نیروی بازتابنده و مقاوم در برابر رژیم کودکش اسرائیل تبدیل شده است. این اتلاف که بر پایه اصول اسلامی و انسانی استوار است، در این شرایط، مقاومت مسلمانان و گروه‌های مختلف در برابر این ظلم، همانند مقاومت پیامبر(ص) اسلام در جنگ بدر و خیبر است.

هبر استاسیی تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی یا جنگ‌های صدر اسلام

یکی دیگر از جنبه‌های مشابه میان مقاومت امروز و جنگ‌های صدر اسلام، تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی است که امروز کشورهای مسلمان با آن مواجهند. جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه تحت تحریم‌های ظالمانه آمریکا و کشورهای غربی، در شرایط مشابهی با آنچه که مسلمانان در زمان محاصره شعب ابی‌طالب در صدر اسلام تجربه کردند، قرار دارد. در آن زمان، دشمنان اسلام تلاش می‌کردند تا با محاصره اقتصادی و اجتماعی، مسلمانان را تسلیم کنند اما مسلمانان با ایمان و اراده خود، از این بحران‌ها عبور کردند و پیروزی‌های بزرگی مانند جنگ بدر و خیبر را رقم زدند.

در آن دوران، مشرکین و کفار درصدد فشارهای حداکثری برای اعطای حداقل امتیازات در مذاکرات خود با مسلمانان و پیامبر اسلام بودند. امتیازات حداقلی که تنها نقش عادی و حاشیه‌ای را برای مسلمانان به همراه داشت، اما هوشیاری حضرت محمد(ص) و حمایت خداوند متعال از پیامبر اسلام و پیروانش، سبب شد تا برنامه‌ها مشرکان ناقص نقشه برآورد شود. موضوعی که با ایمان و شجاعت پررنگ‌تر شده است و دشمنان ایران و اسلام با برنامه‌های متعددی همچون فشارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و راهبردی‌اساسی سعی در انزواکاشاندن مسلمانان و حق‌طلبان عالم دارند. در آخرین فعالیت‌های این می‌توان به اختصاص تمام توان در تجهیزات‌شان در ایجاد هراس و ترس در دل ملت‌های مسلمان و ایران که حامی مظلومان همواره بوده است، اشاره کرد.

آنها با دیگر مذاکره موآرابی و دور از ذهن از توانایی‌های فناوری و نظامی خود با جنگ رسانه‌ای قوی و ایجاد شایعه‌ها دروغین سعی در القای نیتانای مقاومت در برابر خود دارند تا از این رهگذر بتوانند عایدی اعطای امتیاز حداقلی را در مذاکرات و فشارهای حداکثری به دست بگیرند. اما امروز، ایران و کشورهای محور مقاومت در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دشمنان ایستاده‌اند و با به‌کارگیری استراتژی‌های متنوع، همچون به‌یشتف و مبارزه ادامه می‌دهند. این روزها، همانند دوران جنگ بدر و خیبر، ایستادگی در برابر فشارها و تهدیدات، نه‌تنها به‌عنوان یک ضرورت استراتژیک، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از ایمان و مقاومت در برابر ظلم و غاصبگری ملوهرگ است.

فتح خیبر، جنگ بدر و هوشیاری پیامبر اسلام در جنگ خیبر، درس‌های بزرگی برای مسلمانان امروز به همراه دارد. این درس‌ها نه‌تنها در عرصه نظامی و مبارزات سیاسی، بلکه در عرصه ایستادگی در برابر ظلم و حمایت از حق‌طلبان آسان‌ها به‌ویژه در برابر رژیم صهیونیستی، همچنان معتبر است. محور مقاومت امروز همچون طوطر که در جنگ بدر و خیبر نشان داده شد، با ایمان، همبستگی و هوشیاری، به‌طور قوی در برابر تهدیدات مختلف ایستاده است. امروز همچنان همان روحیه و اراده‌ای که در جنگ‌های صدر اسلام موجب پیروزی مسلمانان شد، در مقاومت‌های امروز علیه ظلم و استکبار به‌ویژه در برابر رژیم کدک‌کش اسرائیل و فشارهای غربی، زنده است. مسلمانان و گروه‌های مقاومت با تکیه بر این آموزه‌ها، سوزی پیروزی‌های جدید در مسیر دفاع از حقوق خود و آزادی ملت‌های مظلوم فلسطینی حرکت می‌کنند.

و دشمنان قسم خورده مهین اسلامی از اجرای قاطعانه عدالت و احکام الهی بر مفسدان و جنایتکارانی که دست‌های ناپاکشان بر خون ایرانیان و خدمنمگزاران صادق و مردم‌نظام و مهین اسلامی اودود است، داشته و هرگز نخواهد توانست بر او ایستد. این بولادین تعهد مقدس قضات مؤمن، قانون مدار و عدالت محوران نیز به‌عنوان بنیان‌گذار، راه‌نمای و باور آنان در پیمایش این مسیر خظیر را تعمیق خواهد بخشید.»

شواهد و قرآن بیانگر این واقعیت است که در کشورهای اسلامی علاوهبر رهبران و سیاستمداران، عمدتاً مشرکین، دانشمندان و نخبگانی مورد هدف دشمنن قرار گرفته‌اند که در رشته‌هایی پیچیده واهی‌تک مانند هسته‌ای، کامپیوتر، ماهواره، دفاعی و حتی پزشکی و با علوم انسانی فعالیت داشته‌اند. حاضر به مهاجرت و همکاری با غربی‌ها و با رژیم اشغالگر فلسطین نشده‌اند. یعنی دشمنان اسلام در طول تاریخ همواره تلاش کرده‌اند تا به هر شکل

تورر؛ نشانگر ضعف دشمنان در برابر قدرت ایران

مینی بر این که دو قاضی توسط یک تورریست نفوذی هدف قرار گرفتند، قاعدتا در حال ارتباط عامل ترور را گروه‌های معاند یا طرف‌های خارجی تحت بررسی قرار دارد، چرا که خبر رسمی به ما می‌گوید ضارب خصومت قبلی با قربانیان نداشته است. بر کسی پوشیده نیست که این ترور توسط افرادی انجام شده که مخالف نظام جمهوری اسلامی، متابع مردم ایران، اجرای عدالت و مبارزه با فساد هستند. این افراد با اسلام، انقلاب و مردم ایران زاویه دارند و به احتمال زیاد از طرف جریان‌های خارجی حمایت می‌شوند. چنین حوادثی هشداردهنده است، چون سلفی‌ها نیز شاهد ترور شخصیت‌های برجسته‌ای مثل شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید باهنر بودهایم که از طریق جذب دشمنان به بدستگاه‌ها انجام شده بود. به نظر می‌رسد سازمان‌های منافقین خلق و همچنین رژیم متحوس

تورر؛ نشانگر ضعف دشمنان در برابر قدرت ایران



صهیونیستی به انواع مختلف سعی می‌کنند از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، مالی، اخلاقی یا هر نوع نفوذی که می‌توانند، یک قدر را تحت تأثیر دشمنان قرار داده و اقدامات خودشان را انجام دهند. قوه قهری که این فرد تلاش برای انجام داد و موجب شهادت آن در بزرگوار شد، مضموعاً حادثی شده از سوی سازمان‌های منافقین و سازمان‌های جاسوسی وابسته به رژیم صهیونیستی بوده است. سردار سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم در بخشی از پیامی که خطاب به حجت‌الاسلام و المسلمین غلامحسین محسنی‌اذه‌ای رئیس قوه قضائیه صادر کرد، نوشت: «این اقدام صدمه که در تن از حادمان انقلاب و ملت ایران را هدف قرار داد نشان از کینه و خصومت عمیق مردم در مقابل

^[1] مینی بر این که دو قاضی توسط یک تورریست نفوذی هدف قرار گرفتند، قاعدتا در حال ارتباط عامل ترور را گروه‌های معاند یا طرف‌های خارجی تحت بررسی قرار دارد، چرا که خبر رسمی به ما می‌گوید ضارب خصومت قبلی با قربانیان نداشته است

^[2] مینی بر این که دو قاضی توسط یک تورریست نفوذی هدف قرار گرفتند، قاعدتا در حال ارتباط عامل ترور را گروه‌های معاند یا طرف‌های خارجی تحت بررسی قرار دارد، چرا که خبر رسمی به ما می‌گوید ضارب خصومت قبلی با قربانیان نداشته است